

ماهیت و مفهوم مشروطیت

در مذاکرات نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی

مرتضی منشادی*

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۸۸/۳/۹ تاریخ تصویب: ۸۸/۱۲/۱۲)

چکیده:

مباحث مربوط به مشروطه از زمان پیروزی آن جنبش تاکنون موضوع بحث هستند و درباره آنها اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف نظرها از معنای کلمه مشروطه گرفته تا فهم آن و علل پیدایش آن و حتی پیروزی یا شکست آن را دربرمی گیرد. این اختلاف نظرها و ابهامها در میدان عمل اجتماعی، سردرگمی بزرگی به وجود آورده است؛ به گونه ای که نه سنت شکنی ها و نوآوری های مشروطیت و نه تلاش های محققان نتوانسته است پاسخ روشنی برای این اختلاف نظرها ارائه دهد. بررسی متن مذاکرات مجلس اول مشروطیت می تواند بخش قابل توجهی از این اختلاف نظرها و ابهامها را روشن کند. نمایندگان آن دوره مجلس از میان اصناف گوناگون برگزیده شده بودند و بنابراین فهم و درکی متناسب با بینش موکلان خود از مشروطیت داشتند. ترتیب مذاکرات و مصوبات مجلس منعکس کننده معرفت و شناخت نمایندگان از عوامل مؤثر در موفقیت یا شکست مشروطیت است. به عبارت دیگر، این مذاکرات لایه هایی از خواسته های مشروطه خواهان را آشکار می سازد که بر نیازهای جامعه در مسیر مدرن شدن منطبق است و کنش مشروطه خواهان و مذاکرات نمایندگان را مکمل یکدیگر می سازد.

واژگان کلیدی:

ایران، دولت مدرن، مشروطیت، نخستین مجلس شورای ملی

مقدمه

نهضت مشروطه، جنبش سیاسی- اجتماعی منحصربه‌فردی در تاریخ ایران است که در هیچ‌یک از ادوار تاریخ کهن این سرزمین سابقه نداشته است. در نهضت‌ها و قیام‌های پیش از مشروطه، به نوع و روش حکومت تعرض نمی‌شد، بلکه آنچه تغییر می‌کرد، فرد یا سلسله حاکم بود. در جامعه‌ای که بیشتر مردم آن روستائین و بی‌سواد بودند و عقب‌ماندگی در همه‌ی ساحت‌های زندگی وجود داشت، مشروطه‌خواهان استبداد دیرپای حکومت را شکست دادند و بزرگ‌ترین تحول تاریخی را در ایران به‌وجود آوردند. از این جنبه جنبش مشروطه‌خواهی ایران رامی‌توان اولین انقلاب مشروطه آسیا دانست.

نهضت مشروطه تمامی روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را زیرورو، و کلماتی مانند عدالت‌خانه، مجلس، انتخابات و قانون را وارد واژه‌نامه سیاسی ایران کرد. از زمان پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی تا به امروز، جنبش‌ها و رخداد‌های سیاسی و اجتماعی همه به‌گونه‌ای از آن تأثیر پذیرفته‌اند. نهضت مشروطه از زمان پیروزی تاکنون موردتوجه همگان بوده و درباره آن در محافل گوناگون علمی و غیرعلمی تفاسیر و گزارش‌های متفاوتی ارائه شده است. در دوران پیروزی جنبش مشروطه، همه‌جا از خانواده گرفته تا اماکن عمومی بحث و گفتگو پیرامون حقوق ملت و لزوم حکومت قانون رواج یافته بود. جنبش مشروطه رعیت را به ملت تبدیل کرد و رهبران جنبش برای دستیابی به این هدف، ابزارهای ارتباطی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی متعددی به کارگرفته بودند. عده‌ای با ساختن تصنیف‌های سیاسی و اجتماعی، استبداد و استبدادخواهان را به ریشخند می‌گرفتند. جمعی با وعظ و خطابه، انتشار روزنامه و پراکندن اعلان و شب‌نامه به ستیز با خودکامگی می‌پرداختند. البته استبداد و هواداران استبداد نیز این وسیله‌ها را در دسترس داشتند، اما از آنجا که بدون پشتوانه اعتماد مخاطب، موفقیت بسیار دشوار است، در این مبارزه توفیق چندانی به‌دست نیاوردند.

آرمان‌های جنبش مشروطه برای پیش‌گامان جنبش روشن بود. بخشی از اهداف مشروطیت را می‌توان چنین برشمرد: حکومت قانون، آزادی، استیفای حقوق ملت، تفکیک قوا و جلوگیری از خودکامگی قدرت. پیش‌گامان جنبش مشروطه مردمان آگاه و ازجان‌گذشته‌ای بودند که با وجود تعداد اندک، در برابر نیروهای مخالف ایستادند. عظمت کار آنان دیگران را به موضع‌گیری‌های مختلف واداشته بود. روشن است که شناخت و گزارش درست این واقعه می‌تواند بر سطح تعامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و تسریع فرایند رشد و ترقی کشور تأثیر شایانی داشته باشد. امروز نیاز جامعه ما به واکاوی و بازشناسی دقیق جنبش مشروطه انکارناپذیر است. موضوع جنبش مشروطه، اصلاح‌طلبی، تجدد و نوشدن بود. در بستر

تحولات به وجود آمده در عصر قاجاریه و ظهور و نشر افکار جدید سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران، به این موضوعات توجه شد و جامعه ایران با همه تلاش‌ها و کوشش‌های صدسال گذشته، همچنان به دنبال آنهاست. به همین دلیل جنبش مشروطه تا زمانی که بحث اصلاحات، نوشتن و توسعه در ایران مطرح باشد، طراوت و تازگی خود را ازدست نخواهد داد. بنابراین، مطالعه، تحقیق و بررسی جنبش مشروطه، صرفاً پرداختن به گذشته تاریخی نخواهد بود، زیرا مضامین و مفاهیم آن همچنان بحث روز است و آینده جامعه ما را شکل خواهد داد.

۱. معنای مشروطیت و ویژگی‌های دولت مشروطه. بدفهمی و خلط مفاهیمی که در دوران مشروطه به کار گرفته شد، موجب تفسیر و تأویل‌های متفاوت گردیده که بعضاً مناقشاتی را دامن زده است. یکی از این مفاهیم واژه «مشروطه» است. حائری می‌نویسد: «در نوشته‌های پژوهشگران تاریخ نو ایران و ترکیه واژه «مشروطه» به عنوان معادلی برای واژه انگلیسی constitutionalism یا حکومتی که بر شالوده یک قانون اساسی و نظام پارلمانی بنیاد شده باشد، به کار برده شده است. در ایران دو واژه «مشروطه» و «مشروطیت» به آن نظام حکومتی اطلاق می‌گردد که پس از انقلاب سال ۱۹۰۶م/۱۳۲۴ق پدید آمد» (حائری، ۱۳۶۰، ص ۵۲). واژه کنستیتوسیون^۱ در زبان فارسی وجود نداشت. واژه مشروطیت قبلاً در سال ۱۸۷۶م در عثمانی به عنوان حکومت متکی به قانون به کار گرفته شده بود (همان). در ایران این واژه به وسیله دیپلمات‌های ایرانی در خارج کشور و نشریاتی چون اختر استانبول رواج یافت. اختر در شماره ۵۵، سال دوم، ۱۱ ربیع‌الاول ۱۲۹۳/۶ آوریل ۱۸۷۶، در سر مقاله‌ای به نام «مقام حکومت مقدس است» واژه مشروطه را به مفهوم حکومت متکی به قانون به کار برد. در ادبیات سیاسی آن روزگار، حکومت مشروطه، نظیر حکومتی بود که در نتیجه انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه و تصمیم تزار برای برقراری حکومت قانونی، روی کار آمد. اما در سال ۱۹۰۷م/۱۳۲۴ق زیر فشار آزادی خواهان، واژه مشروطه برای اولین بار در فرمان رسمی محمدعلی شاه به کار برده شد. چون در فرمان‌های پیشین مظفرالدین شاه لغت مشروطه یاد نشده بود، شاه جدید ناچار شد که تغییر رژیم ایران را از استبدادی به مشروطیت با ذکر کلمه مشروطه تأیید کند (هدایت، ۱۳۶۳، صص ۱۴۹-۱۴۷). مدافعان و هواداران نظام نو، در مقابل «حاکمیت مطلقه و سنتی» این واژه را با معنای «مشروطه و مشروطیت» به کار بردند. این واژه در میان بیشتر مردم ایران ناشناخته

1. constitution.

بود. با توجه به آنچه گفته شد، و برای نشان دادن درک نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی از حکومت مشروطه، در اینجا پیش فرض‌ها و مشخصات حکومت مشروطه را به عنوان یکی از انواع دولت‌های مدرن، شرح می‌دهیم.

از دیدگاه تاریخی، مفهوم دولت مدرن از قرن شانزدهم میلادی پدیدار شد. نظریه پردازانی همچون ماکیاولی و بدن، از پایه‌گذاران این نظریه بودند. این مفهوم در قرن‌های هفدهم و هجدهم از جنبه نظری گسترش بیشتری یافت و با انقلاب فرانسه پایدار گشت (آشوری، ۱۳۷۳، ص ۱۳۶). روند نظری دولت مدرن ملی «پس از گذر از آموزه‌های اراده مطلق هابز، اراده اکثریت لاک، اراده همگانی بنتام، اراده عمومی روسو و اراده اخلاقی کانت» (پولادی، ۱۳۸۰، ص ۲) به اراده عقلانی هگل رسید و به نوعی خودآگاهی دست یافت و روند خود را تداوم بخشید. پوچی معتقد است که دولت مدرن مجموعه‌ای از نهادهای مصنوعی و مهندسی شده به نظر می‌آید و نه موجودی که به اتکای قابلیت رشد درون اندامی و خودجوش پدید آمده باشد. به عبارت دیگر، دولت مدرن را هوش مطلق به وجود نیاورده است. همچنین عوامل کور تاریخی نیز آن را به وجود نیاورده‌اند. دولت مدرن یک واقعیت «ساخته شده» است (پوچی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۵). مهم‌ترین ویژگی‌های دولت مدرن را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

- در تئوری دولت مدرن، دولت میان منافع و علایق گوناگون اجتماعی جامعه مدنی، داوری بی طرف است (بشیریه، ۱۳۷۴، ص ۴۳)؛ یعنی دولت در حوزه‌های زندگی شخصی دخالت نمی‌کند و به مجموعه جامعه یکسان می‌نگرد.
- یکی از نقاط عزیمت دولت مدرن، ناسیونالیسم است که از قرن سیزدهم میلادی در اروپا مطرح شد و در انقلاب فرانسه به اوج رسید.
- به عقیده پولانزاس، دولت مدرن در درون ساخت‌های طبقاتی قرار دارد و تداوم آنها را تضمین می‌کند. دولت، تجلی روابط طبقاتی در حوزه سیاسی است و اگرچه دولت بر چگونگی شکل‌گیری مبارزات طبقاتی در درون جامعه مدنی تأثیر می‌گذارد، ولی مبارزه طبقاتی در درون دولت صورت نمی‌گیرد (همان، ص ۴۷).
- از دیدگاه ماکس وبر، دولت مدرن زاییده و بازتاب صرف و ساده فعالیت اجتماعی نیست. دولت مدرن خود نیز مانند هر حوزه دیگری از نظام اجتماعی، دارای سیر تحول و دینامیسم مستقل درونی حاصل خویش است (همان، ص ۵۲).
- تأمین مالکیت افراد، از ویژگی‌های اصلی دولت مدرن است. به اعتقاد جان لاک: «هدف مهم اصلی انسان‌ها از به هم پیوستن در اجتماع سیاسی و گردن نهادن به امر حکومت، حفظ

مالکیتشان یعنی حق اساسی‌شان است و هرگاه حکومتی نتواند این حقوق را پاس دارد، شهروندان حق دارند که آن را سرنگون کنند» (استین، ۱۳۷۴، ص ۱۱۳).

- دولت مدرن بدون وجود قانون مدون، امکان ظهور ندارد.

- دولت مدرن، مبتنی بر ملت است و اصل تفکیک قوا و تفکیک دین و سیاست، از ضرورت‌های آن به‌شمار می‌آید.

- جایگزینی رضایت عمومی به جای فضیلت و خرد، عقل بشری به جای قانون طبیعی و الهی، خوشی به جای خیر، لذت به جای فضیلت، و حق به جای تکلیف، از ویژگی‌های دولت مدرن ملی است (وینست، ۱۳۷۶، صص ۴۴-۴۱).

- حق تعیین سرنوشت و دخالت مردم در سرنوشت جامعه، اصل مترقی دولت مدرن محسوب می‌شود. روسو اعتقاد داشت: «اگر ملتی فقط تعهد کند که اطاعت کند، به واسطه همین تعهد منحل می‌شود و از صورت یک ملت خارج می‌شود، یعنی با بودن ارباب و صاحب اختیار حکومت ملی از بین می‌رود...» (میل، ۱۳۶۹، ص ۷۸).

این عوامل، همراه با سایر جنبه‌ها و نهادهای اجتماعی، مانند ارتش ملی، اقتصاد ملی، مساوات و... از اجزای دولت مدرن هستند که اشاره به همه آنها باعث طولانی‌شدن مبحث و دورشدن از مسیر اصلی می‌شود. با توجه به مطالب یادشده، به نظر می‌رسد، ویژگی اصلی نظریه دولت مشروطه این است که در درجه اول به محدودیت قدرت مربوط می‌شود. با توجه به اینکه اندیشه مشروطیت در زمینه دولت مطلقه پیدا شد، مفهوم محدودیت مهم‌ترین مشغله فکری نظریه‌پردازان دولت مشروطه شد. از این دیدگاه دولت پدیده‌ای است که طبعاً خواستار قدرت هرچه بیشتر است، و بنابراین باید آن را محدود و مقید کرد. معمولاً چنین تصور می‌شود که محدودیت‌های موردنظر از خارج به دولت «الصاق و اضافه» و یا تحمیل می‌گردد. چنین تصویری خطا و باطل است. قانون اساسی و محدودیت ناشی از آن، زائده‌ای بر پیکر دولت نیست، بلکه جزئی از نظریه‌ای خاص درباره دولت است. به این ترتیب، اصطلاح محدودیت ممکن است گمراه‌کننده باشد. آنچه مطلوب و موردنظر تئوری دولت مشروطه است، متنوع‌ساختن و در نتیجه محدودکردن قدرت و اقتدار است (وینست، ۱۳۷۶، ص ۱۲۴). نظریه دولت مشروطه تأکید می‌کند که دولت اساساً پاسدار و نگهدار نظم مبتنی بر قانون اساسی است. این خود مشخصه اصلی نظریه مشروطیت است. تأکید نظریه دولت مشروطه نه بر دولت، بلکه بر اهمیت قواعدی است که بر فعالیت قانون‌گذاری روزمره حکام دولت مشروطه ناظر هستند. نهادها و روش‌هایی چون قانون اساسی مرکب و متعادل، و تفکیک قوا و نظارت آنها بر یکدیگر شیوه اصلی دیگری برای تحدید و تفرقه قدرت به‌شمار می‌روند. در اینجا به‌گونه‌ای مختصر و برای نمونه، اشاره‌ای به فهم مشروطه در میان ایرانیان می‌نمایم.

یحیی دولت‌آبادی که خود از فعالان رویدادهای مشروطه‌خواهی است، در خصوص فهم عمومی از مشروطه می‌نویسد، در اوایل مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی، نزدیک به هزار نفر از علما، رجال و اعیان تهران حاضر بودند و در میان آنان به‌غیر از تعداد اندکی که می‌دانستند مقصود چیست، دیگران بی‌اطلاع و سردرگم بودند، «اسم مجلس می‌شنوند، حرف مشروطه و قانون اساسی به گوششان می‌خورد، اما قانون یعنی چه، مجلس کدام است، مشروطه چیست؟ نمی‌دانند... و هیچ‌کدام از آنها که نمی‌دانند، حاضر هم نیستند از اهلش بپرسند، این میهمان تازه‌وارد خصوصیاتش چیست، چه کاری از او ساخته است، چگونه باید اورا پرورش داد، چگونه باید او را نگاهداری نمود که ضایع و باطل نگردد...» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ج ۲، صص ۸۴-۸۳).

عدم حضور و پیشینه مفاهیم نوین غربی و وضعیت و فهم فرهنگی جامعه ایران، موجب شده بود تا دریافت معنی و کاربرد مقولات جدیدی همچون کنستیتوسیون، پیچیده و دشوار شود. در واقع این‌گونه مفاهیم جدید به معنایی که در سرچشمه پیدایش و تکامل آن به‌کار می‌رفت، در ایران کاربردی نداشته است. این واژه‌ها و مفاهیم، پوششی برای عرضه بینش و پیشبرد فرهنگی بود که روشنفکران هنگام خفقان سیاسی و با مصلحت‌اندیشی، در مقابل فرهنگ سنتی و استبدادی به‌کار گرفته بودند.

کسروی، حکایتی در فهم معنای مشروطه دارد که بسیار خواندنی است. او نوشته است، برای دانستن معنی مشروطه (که نخستین بار نام آن را شنیده بود) به خانه‌ای وارد شد که در آنجا «آخوند جوان زردمویی با دستار سفید کوچکی... به زبان ترکی معنی مشروطه را می‌گفت». واعظ بعدی میرزا حسین بود. «دیگری از ایشان شیخ سلیم می‌بود. این مرد چه در این هنگام و چه پس از آن با زبان ساده روستایی سخنانی گفتی... و نویدها دادی که چون مشروطه باشد، نان فراوان و ارزان و گوشت در دسترس همگی خواهد بود و بینوایان از نان و کباب سیر خواهند گردید و بالای منبر انگشتان را پهن کرده و وجب خود را نشان داده و با همان زبان ترکی روستایی چنین گفتی: کباب بو اینده کاسب. این گفته‌های او نیز ارج دیگری می‌داشت و مایه دلداری بینوایان می‌بود» (کسروی، ۱۳۷۳، صص ۱۷۴-۱۷۲). این شیخ سلیم که به زبان عامیانه مشروطه را به مردم تفهیم می‌کرد، یکی از سه سخنگوی انجمن تبریز بود.

اگرچه، بیشتر مردم معنای مشروطه و مشروطیت را به‌درستی نمی‌دانستند، اما این موضوع نباید ما را به این نتیجه نامعقول برساند که هیچ‌کس به‌درستی معنای این مفاهیم نو را نمی‌دانست (کسروی، ۱۳۷۳، ص ۶۱؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲، ج ۱). دولت‌آبادی در خصوص درخواست‌های مبارزان پس از بست‌نشینی در حضرت‌العظیم می‌نویسد: آرمان و هدف، مبارزه با استبداد و «کندن ریشه استبداد» و برقراری عدل «اگرچه ظلم بالسویه باشد» بود

(دولت‌آبادی، ۱۳۷۱ ج ۲، ص ۱۹). اما دولت‌آبادی گفتگوی خود با «حاج حسین آقا امین‌الضرب را که از تجار درجه اول شمرده می‌شود» هم نقل می‌کند که در این گفتگو، امین‌الضرب، امین‌السلطان را مشروطه‌خواه معرفی می‌کند و از قول او می‌گوید: «... من یک خبط کردم... و آن این است که در کشته‌شدن ناصرالدین شاه، ملت را وادار نکردم مظفرالدین شاه را با اساس مشروطیت و قانون اساسی به سلطنت قبول نمایند... امروز هم بقای استقلال مملکت در این است که مشروطه بوده باشد» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱ ج ۲، ص ۴۲). صرف‌نظر از صحت و سقم چنین ادعایی، اهمیت این گفته در آن است که در زمانی گفته شده است که هنوز مشکل درخواست عدالت‌خانه حل نشده بود و سخنی از مشروطیت در میان نبود و قانون‌خواهی مهم‌ترین فوری‌ترین درخواست به‌شمار می‌آمد.

تحصیل‌کردگان و بسیاری از اشراف قاجار و مقامات دولتی، کلید راز بزرگ و شگفت‌انگیز شکوفایی و پیشرفت اروپا را در قانون می‌دانستند. قانون از نظر آنان ابتدا به معنی حکومت مسئول و منظم بود و بعدها قانون به معنای آزادی به‌کار گرفته شد. اجرای قانون موجب امنیت مالکیت، مشاغل، جان و مال همگان و پاسخگو شدن مسئولان حکومتی می‌شد (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۱۲۶-۱۲۴). از جمله پیشتازان حکومت قانون، می‌توان از عباس میرزا ملک‌آرا، سپهسالار، ملکم‌خان، مستشارالدوله، اعتمادالسلطنه، سعدالدوله، مخبرالسلطنه، صنیع‌الدوله و احتشام‌السلطنه نام برد. این گروه پیش از روشنفکران جوان‌تر طبقه متوسط، ضرورت و فواید برقراری قانون و حکومت پاسخگو را مطرح کردند و بر آن پای فشردند.

مستشارالدوله در نوشته‌های خود بارها به مقولاتی مانند قانون، عدالت، ملت، آزادی، برابری، حقوق و پارلمان اشاره کرد. او حتی با ارائه شواهدی از قرآن و احادیث در صدد انطباق اسلام و مفاهیم اسلامی با مفاهیم جدید آزادی، برابری و مواد مهم قانون اساسی فرانسه برآمد. مستشارالدوله به گفته آدمیت در ایران اولین نویسنده‌ای است که گفت، منشأ قدرت دولت، اراده ملت است (آدمیت، ۱۳۴۰، ص ۱۰۵). اگرچه مستشارالدوله تلاش قابل‌ارجی برای آشناساختن ایرانیان با مفاهیم نو انجام داد، اما به گفته حائری، به صورت آشکاری تأکید نکرد که این مفاهیم با آنچه در کشور ما به‌کار برده می‌شد، تفاوت دارد (حائری، ۱۳۶۰، صص ۳۷-۳۶). همچنین، حائری در تشیع و مشروطیت در ایران از کاربرد واژه کنستیتوسیون در فرمان مشروطیت، نتیجه می‌گیرد که: «... قرار است که همسان کشورهای مشروطه و دموکراسی جهان مانند بلژیک، انگلیس و فرانسه امور حکومت و کشور را بر طبق قانون اساسی اداره کند» (همان، ص ۲۵۷).

بیشتر پژوهشگران، توجه اندکی به این موضوع داشته‌اند که احتمالاً به‌کارگیری دو واژه «مشروطه» و «کنستیتوسیون» در فرمان محمدعلی شاه، معنا و مفهومی غیر از آنچه تاکنون گفته

شده است، دارد. پیش از رواج واژه «مشروطه» تقریباً و بدون استثنا واژه «قنسطیطوسیون» به کار برده می‌شد و به نظر می‌رسد از آن معنای حکومت مقید به قانون (و نه رژیم پارلمانی) فهمیده می‌شد (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵). بنابراین، قابل تعمق است که وقتی محمدعلی شاه در برابر مجلس بر این نکته تأکید کرد که فرمان پدرش - که او نیز آن را تأیید کرده - «قنسطیطوسیون» بوده است و نه مشروطه، میان دو طرف اختلاف درگرفت (هدایت، ۱۳۶۳، صص ۱۴۷-۱۴۸).

واژه «قانون» از زمان اولین اصلاح‌طلبان دوره قاجار به کار گرفته می‌شد و در ابتدای جنبش مشروطه‌خواهی نیز یکی از درخواست‌های قیام‌کنندگان بود. «قانون» واژه‌ای دقیق و گویا با عملکردی روشن و ملموس به‌شمار می‌آید. قانون و مفهوم آن و آثار مترتب بر آن را هر دو گروه رقیب (و حتی توده مردم) به‌خوبی می‌دانستند. با توجه به اشتراک همه فعالان در لزوم مقید و محدود کردن استبداد، حال این پرسش‌های دشوار پیش می‌آید که چرا در برابر «سلطنت مستبده»، اصطلاح «سلطنت قانونی» مقبولیت نیافت؟ و چرا به جای حکومت سلطنتی منطبق با قانون^۱، بر حکومت مشروطه^۲ پافشاری شد؟

با توجه به نکات گفته شده، واژه «مشروطه»، مخصوصاً برای توده مردم، واژه مبهمی بود. همین ابهام برای بازی‌های سیاسی مناسب بود. شاه و هواداران سلطنت آن را مطابق امیال خود معنا می‌کردند و طرف‌داران مشروطه نیز آن را براساس دیگری تفسیر می‌کردند. اما نکته قابل تعمق آنکه، این واژه به سرعت به جای واژه قانون به کار رفت. شیخ علی عراقی در روزنامه مجلس، مشروطه را این گونه توصیف کرده است: «سلطنت ایران از خیلی زمان قدیم مشروطه بوده، یعنی از زمان کیومرث اول پادشاه دانای ایران... هرکه این مسائل را باور ندارد به تواریخ معتبره رجوع نماید تا شبهه‌اش زایل شود. قطع نظر از تواریخ و مشروطگی سلطنت‌های قدیم، اساس مذهب اسلامی و شرع انور محمدی (ص) بر مشروطه است... بدانید اساس مذهب اسلام بر مشروطه است. پیغمبر (ص) مجلس شورا داشت، آیات قرآن مجید شاهد است: و امرهم شوری بینهم. یعنی کارهای امت محمد از روی شور و مشورت باید باشد... مجلس شورای اسلامی برای رفع ظلم و عداوت و نفاق و فقر و نکبت است... مجلس ملی برای ترویج قانون اسلام و شریعت مطهره محمدی است... هرکس بر ضد این مجلس مقدس برخیزد بر دهنش بزیند، او را مرتد و مردود و دشمن اسلام بشمارید» (روزنامه مجلس، سال اول، شماره ۵۳۶). مضامین مشابهی در دیگر نوشته‌های مشروطه‌خواهان وجود دارد که به دلیل جلوگیری از طولانی شدن کلام از ذکر همه آن‌ها چشم می‌پوشیم و تنها اشاره می‌کنیم که روزنامه انجمن مقدس ملی ایران، وابسته به انجمن ایالتی اصفهان در دوران جنبش مشروطه

1. constitutional.
2. conditional.

(روزنامه انجمن مقدس ملی ایران سال اول، شماره‌های ۲۹، ۳۰، ۳۷، ۳۸، ۴۵، ۴۹)، و نیز روزنامه صوراسرافیل، در شماره ۱۴ به تاریخ دهم شعبان ۱۳۲۵ صفحات ۳ و ۴ چنین مضامینی را به کار برده‌اند. پرسش اساسی این است که حکومت مشروطه به عنوان یکی از انواع دولت مدرن، تا چه اندازه با آنچه نمایندگان اولین مجلس شورای ملی در نظر داشتند، قابل تطبیق می‌باشد؟

نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی و مشروطیت. در این بخش، تلاش خواهیم کرد تا درک نمایندگان مجلس اول شورای ملی را از مفاهیم و موضوعاتی که تاکنون اشاره کردیم، روشن سازیم. نکته قابل اشاره اینکه، متن مذاکرات به گونه‌ای است که موضوعات گوناگون در کنار هم و به طور هم‌زمان مطرح شده‌اند؛ هنوز مذاکره درخصوص یک مطلب تمام نشده است که موضوع دیگری در مذاکره طرح می‌شود و این موضوع از مشکلات این پژوهش می‌باشد. افزون‌براین، ثبت نشدن دقیق و یکسان نام‌ها، مشخص کردن مواضع نمایندگان را دشوار می‌سازد.

اهمیت مجلس به عنوان نهاد اصلی مشروطیت. تأسیس مجلس شورای ملی به عنوان نهاد قانون‌گذاری، یکی از اساسی‌ترین ارکان مشروطیت را در ایران به وجود آورد. ایجاد مجلس شورای ملی، به معنی ورود ایران به دوران مدرن بود و بر نهادهای سیاسی و فرهنگی مدرن، مهر تأیید زد. اصل هفتم متمم قانون اساسی مصوب مجلس اول، به صراحت اعلام می‌کند که «اساس مشروطیت، جزئاً و کلاً تعطیل بردار نیست»؛ بنابراین کاوش دربارهٔ پیش و درک نمایندگان مجلس اول شورای ملی، ابتدایی‌ترین و درعین حال ضروری‌ترین زمینه مشروطه‌پژوهی می‌باشد.

نمایندگان در جلسات پی‌درپی، ویژگی‌ها و اهمیت مجلس را به عنوان مهم‌ترین دستاورد مشروطه به بحث گذاشتند (برای مثال درجلسات ششم ذی‌قعدة سال ۱۳۲۴ و نوزدهم ذی‌حجه ۱۳۲۴). در مذاکراتی که در این جلسات صورت گرفت، آنان بر مسئولیت نمایندگان برای سامان‌دادن اوضاع کشور تأکید کردند. آن‌ها نه تنها بر جنبه قانون‌گذاری، بلکه بر مؤسس بودن آن تأکید می‌کردند (مذاکرات مجلس، صص ۴۷-۵۰؛ مذاکرات مجلس اول، صص ۷۶-۷۵؛ همان، ص ۱۲۸؛ همان، ص ۱۲۷).

انتخابات. با توجه به شرایط دشوار سیاسی و وخامت حال مظفرالدین شاه، تقویت مجلس به عنوان مهم‌ترین سنگر مبارزه با مخالفان مشروطه، نظر مشروطه‌خواهان را به خود جلب کرد. هواداران استبداد با آگاهی از این موضوع، سعی در تضعیف مجلس داشتند. در چنین اوضاعی، بدون تردید برگزاری انتخابات در سراسر کشور و حضور نمایندگان مردم در مجلس، به تقویت مشروطیت می‌انجامد؛ به این ترتیب، نمایندگان در جلسات متعددی بر این موضوع پافشاری کردند. انتخابات مجلس اول شورای ملی صنفی بود؛ بنابراین موضوع مذاکرات بیشتر

مبتهی بر بیان چگونگی انتخاب نماینده به وسیله اصناف و علل تأخیر در انتخاب و پاسخ به آن بود (ششم ذیقعدة سال ۱۳۲۴، چهاردهم ذیقعدة، یازدهم ذیحجة سال ۱۳۲۴، یکشنبه ۲۹ رجب ۱۳۲۵، دوم ذیحجة سال ۱۳۲۵، ششم محرم سال ۱۳۲۶، در این جلسات افزون بر موضوع مهم انتخاب نمایندگان شهرستانها، بر مسائلی چون دقت در صحت انتخاب نمایندگان، انتخاب نمایندگان با اکثریت مطلق و یا اکثریت نسبی و حفظ حقوق آحاد مردم، فارغ از مذهب و قومیت آنان تأکید گردیده است (مذاکرات مجلس، صص ۷۱-۶۹؛ مذاکرات مجلس اول، صص ۱۲۹-۸۴، ۱۳۰ و ۱۱۵-۸۶، ۳۸۸-۳۸۹، ۵۵۰-۵۴۸، ۵۸۴-۵۸۲).

تفکیک قوا و وظایف مجلس. قانون اساسی وظایف قوای سه گانه را مشخص کرده بود، اما امضای آن از سوی شاه به تأخیر می افتاد. سرانجام در چهارم ذیقعدة ۱۳۲۴، قانون اساسی به امضای شاه و ولیعهد رسید. سه روز بعد، صدراعظم مشیرالدوله، قانون اساسی را به مجلس آورد. بدون تردید مذاکرات میان نمایندگان می تواند نشان دهنده درک آنان از تفکیک قوا و وظایف مجلس به عنوان پر قدرت ترین نهاد مشروطیت باشد. به عبارت دقیق تر، اگرچه متن قانون اساسی برگرفته از قوانین کشورهای اروپایی بود، اما بررسی مذاکرات، میزان فهم نمایندگان را از مفاهیم اصلی مطرح شده در قانون اساسی روشن می سازد. توشیح قانون اساسی به معنی رسمیت یافتن تفکیک قوا، تنظیم روابط میان حکومت با مجلس، و قوانین مربوط به اعمال وزارتخانه ها بود. نمایندگان با جدیت و هشیاری این مفاهیم را به کار گرفتند و بر اجرای وظایف مجلس پافشاری کردند (جلسه روز پنجشنبه نوزدهم شوال سال ۱۳۲۴، یکشنبه بیست و هشتم ربیع الاول ۱۳۲۵، پنجشنبه اول جمادی الاول سال ۱۳۲۵، یکشنبه ۲۹ رجب ۱۳۲۵، یکشنبه ششم شعبان ۱۳۲۵، بیستم ذیحجة سال ۱۳۲۵).

نظارت مجلس بر عقد قراردادهای خارجی یکی از اقدامات مهمی بود که نمایندگان بر آن پافشاری کردند. گفتنی است که نمایندگان با توجه به واگذاری امتیازات گوناگون به بیگانگان، حساسیت زیادی در این زمینه از خود نشان دادند. مورد دیگر قرارداد ۱۹۰۷ میان انگلستان و روسیه و توافق آنان در تقسیم ایران بود. نمایندگان به شدت واکنش نشان دادند (مذاکرات مجلس اول، صص ۳۸۹-۳۸۸).

نهادینه کردن مشروطیت. نمایندگان نخستین دوره مجلس شورای ملی، نظامنامه اساسی (قانون اساسی) را با هدف نهادینه کردن مشروطیت تدوین کردند. نمایندگان با توجه به شرایط سیاسی، در تدوین قانون اساسی و توشیح آن توسط شاه شتاب داشتند؛ از سوی دیگر، امضای قانون اساسی به دلایل گوناگون به تأخیر می افتاد. مذاکرات چندین جلسه مجلس به پیگیری این موضوع مربوط می شود.

نخستین بار در جلسه روز پنجشنبه پنجم شوال ۱۳۲۴، نمایندگان در ضمن مذاکرات و بحث‌های دیگر، از قانون اساسی و چگونگی مطالبه آن سخن گفتند (مذاکرات مجلس، ص ۱۳، مذاکرات مجلس اول، صص ۵۶-۵۷)

جلسه بعدی مجلس که بیشترین مذاکرات نمایندگان به قانون اساسی ارتباط داشت، روز یکشنبه ۲۲ شوال برگزار شد. در این جلسه، نمایندگان پیشرفت امور کشور و انتظام امور را به امضای قانون اساسی از سوی شاه وابسته دانستند. نمایندگان علل تأخیر این امر را منطقی نمی‌دانستند، و در نتیجه قرار شد تعدادی از وکلای مجلس (حاجی شیخ‌علی، مخبرالملک، آمیرزا ابوالحسن‌خان، حاجی معین‌التجار، حاجی سیدنصرالله، عون‌الدوله و آسید حسن بروجردی) به نمایندگی از سوی مجلسیان به دربار رفته، توشیح سریع قانون اساسی را درخواست کنند (مذاکرات مجلس، ص ۲۰، مذاکرات مجلس اول، صص ۶۶-۶۵).

روز سه‌شنبه نهم ذی‌قعدة ۱۳۲۴ نیز مذاکرات مجلس در مورد قانون اساسی و مطالبه آن بود. در این جلسه نمایندگان نسبت به تغییراتی که دربار (محمدعلی میرزا، و همفکران او) در موادی از قانون اساسی اعمال کرده بود، به شدت اعتراض کردند. سرانجام قرار بر این شد که کمیسیونی مرکب از پنج نفر (آقاسیدعبدالله، آقاسیدمحمد، سعدالدوله، یک نفر منتخب از وکلا، یک نفر از طرف دولت) و نیز یک نفر منشی [که حق رأی ندارد] به حل و فصل موضوعات مورد اختلاف پردازند و نتیجه برای تصویب به مجلس ارائه گردد (مذاکرات مجلس، صص ۵۹-۵۴، مذاکرات مجلس اول، صص ۸۱-۷۹).

مذاکرات نمایندگان در روز پنجشنبه ۱۱ ذی‌قعدة سال ۱۳۲۴، به قانون اساسی منحصر شد. در این جلسه مشیرالملک، محتشم‌السلطنه و مؤیدالسلطنه به عنوان نمایندگان دولت، در مجلس حضور یافتند. مذاکرات در محلی غیر از صحن مجلس برگزار شد و هفت ساعت به درازا کشید. موارد اختلاف به بحث گذاشته شد و نتیجه آن برای اطلاع نمایندگان و امضای دولت ارائه گردید. با توجه به اهمیت موضوعات مطرح‌شده، مشروح این قسمت از مذاکرات آورده می‌شود.

اصل هشتم، که مضمون آن این بود: «هر سال پس از تعطیل تابستان افتتاح مجلس از اول برج عقرب (ماه) خواهد بود» موضوع بحث شد. جمعی صلاح دانستند که افتتاح مجلس از چهاردهم میزان (ماه) که مطابق روز جشن تشکیل و افتتاح اولیه مجلس است مقرر باشد که با اکثریت آرا پسندیده و تصویب و مقرر شد.

اصل یازدهم، با این مضمون که اعضای مجلس باید این‌گونه قسم یاد کنند که ما اشخاصی که صاحبان امضای ذیل هستیم، خداوند را به شهادت طلبیده به قرآن کریم قسم یاد می‌کنیم که حتی الامکان تکالیف مرجوعه خودمان را با کمال بینش و دقت و نهایت جد و جهد انجام

دهیم و نسبت به متبوع معظم خود، اعلیحضرت شاهنشاهی، راستگو و صادق باشیم و نسبت به اساس سلطنت خیانت نوزیم.

بعضی از وکلا این گونه رأی دادند که فصل یادشده به این مضمون و مقید به این شرط باشد که: ما خداوند را گواه و شاهد گرفته، به کتاب الهی قسم یاد می‌کنیم که مادامی که دولت علیّه و پادشاه عادل متبوع ما با مقتضیات این نظام‌نامه همراهی و مساعدت داشته و از اساس مجلس ما تقویت فرمایند، ما نیز نسبت به سلطنت اعلیحضرت خیانت ننموده، نسبت به متبوع معظم خود صادق و راستگو باشیم. دیگر وکلا هم این رأی را تصویب نموده، همین‌گونه نوشته و مقرر شد.

اصل دوازدهم، که مضمون آن به این صورت بود: «در موقعی که یکی از وکلا مرتکب جنایتی شود باید اجرای سیاست و حکم درباره او به اطلاع مجلس باشد». قرائت شد، بعضی وکلا این گونه صلاح دیدند که به جای لفظ «به اطلاع» لفظ «استحضار» نوشته شود؛ و پس از تعلق اکثریت آرا همین‌گونه نوشته شد.

اصل پانزدهم، به مذاکره گذاشته و مضمون آن این گونه قرائت شد: «برای انتظامات مجلس دولت علیه یک دسته مأمورین نظمیّه در تحت اوامر مجلس قرار خواهد داد». در تسویه و قبول و رد این اصل، مباحثات طولانی به میان آمد و سرانجام بعضی رأساً اسقاط این اصل را به این استدلال لازم دانستند که اگر مراد از انتظام، انتظام داخلی مجلس باشد، این مسئله از وظایف معینه و در عهده رئیس است؛ و اگر مقصود انتظام خارجی است که انتظامات به‌طور عموم به عهده نظمیّه مملکت است و تخصیص آن به مجلس لازم نیست.

به موجب اکثریت آرا، این رأی تصدیق و فصل یادشده الغا و اسقاط شد.

اصل بیستم، که با مضمون آتیه بود، این‌گونه قرائت شد: «در هر موقع که قسمتی از دارایی یا عایدات دولت فروخته و منتقل شود و یا تغییر و تبدیلی در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا کند با اطلاع و تصویب مجلس خواهد بود». در این عبارت، وکلای مجلس این‌گونه صلاح دانستند که به جای لفظ عایدات «دولت»، عایدات «مملکت» نوشته شود و به همین شکل نوشته شد.

اصل بیست و یکم، موضوع مباحثه قرار گرفت، مضمون این اصل این است: «بدون تصویب مجلس شورای ملی تشکیل کمپانی و شرکت‌های عمومی از هر قبیل و به هر عنوان نخواهد شد». این عبارت به این ترتیب تغییر یافت: «اگر دولت بخواهد امتیاز شرکتی بدهد باید به تصویب مجلس باشد والا اگر خود مردم بخواهند بدون امتیاز تشکیل شرکتی بکنند، مجاز و آزاد هستند».

اصل بیست و هشتم، که مضمون آن این‌گونه بود قرائت شد: «مجلس شورای ملی حق دارد مستقیماً هر وقت لازم بداند عریضه‌ای به توسط هیئتی که مرکب از یک رئیس و شش نفر از وکلای طبقات ششگانه باشند به توسط شخص اول دولت به عرض مقدس ملوکانه برساند». و کلاً ذکر لفظ «به توسط شخص اول» را صلاح ندیده، به استدلال اینکه ممکن است عریضه‌ای محتوی شکایت از خود شخص اول باشد، اسقاط آن را لازم دانستند. پس از مذاکرات، به تصویب و قبول جناب مشیرالملک اسقاط شد.

اصل چهلم، که متضمن این بود: «در هر امری که مجلس شورای ملی از وزیر مسئول توضیح بخواهد آن وزیر از جواب ناگزیر است و این جواب بدون عذر موجه و بیشتر از اندازه و اقتضا نباشد به عهده تأخیر بیفتد، مگر آن که مسئله از اسرار دولتی باشد که وزیر مسئول قادر بر افشای آن نباشد». در خصوص این اصل، مباحثات و مذاکرات زیادی رد و بدل شد.

سرانجام اکثریت آرا بر این قرار یافت که این مضمون به مضمون سابق منضم و ملحق شود: اگر وزیر مسئول در مورد جواب سؤال مجلس به واسطه سریت مسئله فعلاً اظهار و افشای مطلب را جایز نداند، باید مدتی معین کنند که بعد از انقضای آن مدت جواب سؤال مجلس را به مجلس اظهار نماید و پس از اظهار اگر معلوم شود که مطلب مذکور سریت نداشته و عدم افشای آن چندان مهم نبوده و وزیر مذکور به میل شخصی به اقتضای سریت مطلب آن را کتمان نموده، مسئول و مورد مجازات خواهد بود.

اصل چهل و یکم، که متعلق به عنوان مجلس سنا و عده اعضا و شکل انتخاب آن بود، مطرح و گفتگو شد. در این مجلس اظهار داشتند که چون ما سابقاً در خصوص اصل این عنوان رأی داده و تصویب نموده‌ایم، فعلاً هم تصدیق و قبول می‌نماییم؛ لکن خواهشمندیم که همان‌طور که سابق استدعا کرده‌ایم، دو ثلث وکلا و اعضا از ملت و یک ثلث از دولت انتخاب شوند.

وکلائی دولت اظهار کردند که حضرت اقدس ولیعهد خواستار شده‌اند که این امر به تنصیف انجام یابد و با اینکه در غالب ممالک اعضای سنا کلاً از طرف دولت انتخاب می‌شوند، ما به ملاحظه همراهی با مجلس و ملت تعیین آن را بالمناصفه قبول می‌کنیم؛ و سرانجام وکلای ملت درخواست و استدعا نمودند به تقسیم سی و پنج نفر از ملت و بیست و پنج نفر از دولت این امر صورت گیرد. وکلای دولت هم اظهار کردند که اگر احتیاط و ملاحظه وکلای ملت از این راه است که تصور می‌کنند که آرای وزرا منضم به آرای وکلای سنا می‌شود و اسباب تقویت و کثرت آرای وکلای سنا می‌شود، این اشتباه است و هیچ وقت آرای وزرا مربوط و ملحق به آرای وکلای سنا نخواهد بود. قبول خواهش وکلا در این خصوص موکول به استدعای مخصوص شد.

اصل چهل و دوم، که به این مضمون بود: «امر راجعه به مالیه مملکت همیشه باید به تصویب مجلس شورای ملی رسیده، پس از آن به مجلس سنا فرستاده شود»، مطرح و مانند سایر فصول مدتی گفتگو شد و اظهار وکلای مجلس در این باب این بود که در تمام دنیا مداخله و اصلاح و تنقیح و ترتیب بودجه و عمل مالیه مملکت و جمع و خرج دولت مخصوص به مجلس ملی است و مجلس سنا به هیچ وجه در آن مداخله نمی کند و اگر سابقاً از طرف وکلای مجلس در خصوص مداخله مجلس سنا در این امر رأی داده و تصویب شده است، حالا استدعا می کنیم این مسئله از مختصات مجلس شورای ملی مقرر شود. این مسئله نیز موکول به استدعای مخصوص شد.

اصل چهل و هفتم، تقریباً با این مضمون قرائت شد: هر مسئله موضوع مذاکره قرار گرفت و مجلس شورای ملی آن را اصلاح کرد. پس از تنقیح مجلس یادشده به مجلس سنا فرستاده می شود و اگر مجلس سنا رأی مجلس ملی را تصویب و تصدیق نماید، به امضا و صحه همایونی رسیده اجرا می شود و اگر صلاح ندانسته آن را رد کند، امضای رأی همایونی حاکم ترجیح رأی طرفین خواهد بود و در صورتی که امضای ملوکانه با رأی سنا موافقت نماید، دوباره به مجلس ملی مراجعت می شود و در صورتی که مجلس ملی از رأی خود انصراف و نکول حاصل نکند، مجلس ثالثی مرکب از شورای ملی و سنا به حکمیت تشکیل و منعقد می شود. اگر آن مجلس هم رأی سنا را تصویب نماید، اعلیحضرت همایونی پس از تصویب دو ثلث از وکلای سنا و انضمام آرای هیئت وزرا با رأی سنا، وکلای مجلس شورای ملی را مرخص فرموده، همان وقت حکم به تجدید انتخاب می فرمایند و در این موقع انتخاب کنندگان می توانند هر یک از وکلای سابقه را دوباره انتخاب نمایند و این ترخیص هم در دوره انتخاب یک نوبت بیشتر اتفاق نخواهد افتاد.

در خصوص این فصل، مباحثات و مذاکرات فوق العاده بود. وکلای مجلس که در ابتدای افتتاح مجلس این عنوان را اصلاً نپذیرفته و تصویب نکرده بودند، پس از تجدیدنظر و ملاحظه ثانویه که انعقاد آن را تصویب نمودند؛ به این شرط معلق و مقید داشتند که ترخیص مزبور در دوره اول مستثنا باشد.

وکلای دولت اظهار کردند که این استثنا در جزء نظام نامه ذکر نشود و به موجب دستخط خارج، حق این استثنا موقتی به مجلس داده شود.

وکلای ملت نخست این جواب وکلای دولت را قبول نمی کردند و ذکر این موضوع را در خود نظام نامه درخواست کردند، لکن سرانجام پس از مذاکرات و ملاحظات زیاد همین طور قبول نموده و مقرر داشتند.

نظام‌نامه اصلاح شد و به اتمام رسید و بنا شد که پس از مذاکره در دو فقره استدعائیه با حضرت اقدس ولیعهد، پاکنویس نموده، به صحنه همایونی برسانند (مذاکرات مجلس اول، صص ۸۳-۸۱، مذاکرات مجلس، صص ۶۵-۶۲).

در جلسه روز شنبه ۱۳ ذی‌قعدة، بعد از مطرح شدن مشکل تأمین گوشت، دوباره در خصوص قانون اساسی بحث شد، در این جلسه بحث اصلی بر سر مجلس سنا و رابطه آن با مجلس شورای ملی بود. نگرانی نمایندگان از اینکه اقتدار مجلس شورای ملی، تحت الشعاع مجلس سنا قرار بگیرد، در مباحثات آنان کاملاً مشهود است (مذاکرات مجلس اول، صص ۸۴-۸۳؛ مذاکرات مجلس، صص ۶۸-۶۵).

مذاکرات روز سه‌شنبه ۲۸ ذیحجه نیز در خصوص قانون اساسی و بحث بر سر نوشتن متمم قانون اساسی بود. سعدالدوله، سیدحسن تقی‌زاده مشاورالملک، حاجی امین‌الضرب، حاجی سیدنصرالله و نیز مستشارالدوله برای نوشتن متن مقدماتی برگزیده شدند. سپس بحث بر سر شرایط نمایندگی مجلس سنا و شیوه انتخاب آنان درگرفت. نمایندگان نگران اعمال نفوذ شاه در انتخاب نمایندگان مجلس سنا بودند و می‌کوشیدند تا با اتخاذ شیوه‌ای عملی و تسریع در برگزاری انتخابات، از اعمال نفوذ شاه جلوگیری کنند (مذاکرات مجلس، صص ۱۶۲-۱۵۹، مذاکرات مجلس اول، صص ۱۳۵-۱۳۴).

ساختارهای جدید سیاسی و توزیع افقی قدرت. به رسمیت شناختن قانونی انجمن‌های ایالتی و ولایتی، یکی از پایه‌های اولیه جامعه مدنی بود که نمایندگان مجلس آن را تحقق بخشیدند. استبداد و حامیان داخلی و خارجی آن، در مقابله با مشروطیت از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کردند و منتظر فرصتی بودند تا مشروطیت و بزرگترین نشانه آن یعنی مجلس را براندازند. مشروطه‌خواهان که به‌جز پشتیبانی مردم از حمایت دیگری برخوردار نبودند، می‌کوشیدند هرچه زودتر اداره امور کشور را قانونمند سازند و با ایجاد نهادهای مدنی از تمرکز قدرت جلوگیری کنند. نمایندگان مردم از خشونت‌گریزان بودند. در مجلس هم جشن و سرور برپا شده بود، اما در میان انجمن‌ها، تعدادی انجمن تندرو و به اصطلاح انقلابی وجود داشتند که راه رسیدن به آرمان‌های خود را در برادرکشی و خشونت می‌دیدند. کار به آنجا کشید که صنیع‌الدوله، نخستین رئیس مجلس، در شکایت از انجمن‌ها گفت: در تمام ممالک، انجمن‌ها بدو تشکیل شده و بعد مجلس ملی تشکیل شد، ولی در اینجا برعکس شده... او در استعفانامه خود به‌صراحت اعلام کرد که تهدید به قتل شده است. باوجود تمامی فشارها، نمایندگان مجلس با تفکیک قائل شدن میان انجمن‌هایی که با حمایت مستبدان فعالیت می‌کردند و انجمن‌هایی که برخاسته از نیازهای مردمی بودند، به حمایت از تقسیم قدرت و نهادهای مدنی ادامه دادند (مذاکرات مجلس اول، صص ۱۸۸-۱۸۷، ۲۰۲-۲۰۰، ۲۰۵، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۶۹، ۲۷۰).

مسئولیت وزرا در برابر مجلس. به دنبال توشیح قانون اساسی، مجلس به تنظیم روابط خود با حکومت پرداخت. اولین کابینه در دوره مشروطیت به ریاست میرزا نصرالله خان مشیرالدوله، در ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۴ با هشت وزیر به مجلس معرفی شد. اکثریت اعضای این کابینه به مشروطه خواهی مشهور بودند و این موضوع باعث دخالت محمدعلی شاه گردید. زیر فشار شاه، مشیرالدوله ناچار به استعفا شد تا زمینه برای صدارت امین السلطان فراهم گردد. اگرچه در دوره صدارت مشیرالدوله، کشمکش های سیاسی میان مجلس و حکومت وجود داشت و مدتی هیچ کدام از وزرا در مجلس حاضر نشدند، سرانجام، مجلس توانست وزیران را برای پاسخگویی به مجلس بکشاند. البته این موضوع نتیجه جلسات مکرر و بحث های طولانی بود (مذاکرات روز پنجشنبه ۱۶ ذیحجه ۱۳۲۴، سیزدهم محرم سال ۱۳۲۵، ۶ صفر ۱۳۲۵، ۲۹ رجب سال ۱۳۲۵). شاه و حکومت تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا وزرا کماکان در برابر شاه مسئول باشند. نمایندگان مجلس اول شورای ملی که به غیر از قوت استدلال و پشتیبانی انجمن های مشروطه خواه، ابزار دیگری نداشتند، وزرا را به مجلس کشاندند و شاه و حکومت را وادار کردند تا مسئولیت وزرا در برابر نمایندگان مردم و پاسخگویی به آنان را بپذیرند (مذاکرات مجلس اول، صص ۱۲۵-۱۲۲، ۱۳۰-۱۲۷، ۱۵۳-۱۵۲، ۳۸۸-۳۸۹، ۳۹۳-۳۹۰). بدون تردید این موضوع یکی از بزرگ ترین دستاوردهای مشروطیت است که با وجود فراز و نشیب های فراوان، به عنوان میراث مشروطیت باقی ماند. از آن تاریخ تاکنون حکومت خود را ناگزیر می دیده است تا برابر مجلس به عنوان نمایندگان مردم پاسخگو باشد و یکی از پایه های مشروعیت حکومت ها همین است.

تصویب قوانین جدید و عرفی برای سامان دادن به اوضاع کشور. مجلس شورای ملی برای سامان دادن به اوضاع کشور به تصویب قوانین مورد نیاز اقدام کرد؛ از جمله قوانینی برای انتظام امور شهری و زندگی اجتماعی. همچنین، مجلس اول شورای ملی به نظام مند کردن عدلیه و پاسخگویی به تظلمات مردم اقدام کرد. در مذاکرات روز پنجشنبه ۲۸ ربیع الاول سال ۱۳۲۶، بحث از قوانین عرفی و رابطه آن با شرع بود. در این مذاکرات، استدلال موافقان و مخالفان قابل توجه بود. این مباحثات بیانگر آن است که نمایندگان موافق تدوین و تصویب قوانین عرفی، قائل به تفکیک دو حوزه قوانین شرعی و موضوعه بودند. به اعتقاد آنان، شرایط جدید کشور و اوضاع جامعه نیاز به تدوین و تصویب قوانین جدید دارد.

از سوی دیگر، مخالفان ضرورتی بر این موضوع نمی دیدند و خواهان نظارت کامل علما بر تدوین و تصویب قوانین بودند... (مذاکرات مجلس اول، صص ۶۸۹-۶۸۵). به گفته میرزا صالح، فکر تفکیک مقولات دینی و سیاسی و تشخیص رسالت هریک، در مجلس اول شناخته شده بود (میرزا صالح، ۱۳۸۴، ص ۳۹)؛ بنابراین مجلس اول شورای ملی به موقعیت اصلی خود یعنی قوه مقننه در یک نظام سیاسی مشروطه دست یافت.

آزادی مطبوعات. آزادی بیان یکی از ویژگی‌های برجسته نظام‌های مدرن به‌شمار می‌آید. مطبوعات آشناترین راه و وسیله اجرای این آزادی است. سابقه انتشار روزنامه در ایران، به سال ۱۲۵۳ق بازمی‌گردد. در این سال میرزا صالح شیرازی، اولین روزنامه ایرانی را که «کاغذآخبار» نام داشت، در شهر تبریز منتشر کرد. از آن زمان تا تشکیل مجلس شورای ملی، روزنامه‌ها اهمیت ویژه‌ای در آگاهی‌بخشی به مبارزان و مشروطه‌خواهان داشتند. بحث مطبوعات در مجلس اول شورای ملی، با مذاکره درخصوص چاپ روزنامه مجلس آغاز شد. نمایندگان از ضرورت چاپ روزنامه مجلس و انتشار اخبار مجلس سخن گفتند (مذاکرات مجلس اول، صص ۵۲، ۵۷، ۵۸).

در جلسه روز سه‌شنبه دوم ذی‌قعدة سال ۱۳۲۴، سیدعبدالله بهبهانی از چاپ و نشر اعلامیه‌ها و شب‌نامه‌هایی که حرمت افراد را رعایت نمی‌کردند، سخن گفت: «... بعد از تشکیل مجلس محترم شورای ملی که بنایش بر آزادی افکار و آرا است، دیگر فایده این اوراق لاطائل در پرده که جز اسباب معاندت و مخاصمت و ضدیت بین اشخاص بزرگ و محترم چیزی دیگر نیست، چیست؟ اگر حرفی و سخنی دارند، بنویسند و بیاورند در مجلس و با استدلال گفت‌وگو کنند، و اگر ندارند، این تفتین و افساد و هرزه‌درایی چه معنی دارد؟ باید مجلس این مطلب را از دولت بخواهد که این اشخاص مفسد و مغرضین را منع از این حرکت زشت نمایند تا وسوس این شیاطین قلوب جاهلیت و سایرین را مشوش و جلب نکند» (مذاکرات مجلس اول، ص ۷۲).

در جلسه روز یکشنبه سوم جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۵، بحث مربوط به قانون مطبوعات و آزادی انطباعات، مطرح شد. در این جلسه بحث اساسی بر سر موضوع نظارت بر چاپ نشریات و اعلانات بود. نمایندگان بر لزوم قانون‌مندی فعالیت‌های مطبوعاتی تأکید داشتند، اما از سانسور و جلوگیری از انتشار مطبوعات بدون توجه به قانون انتقاد کردند (مذاکرات مجلس اول، صص ۳۰۲-۳۰۳).

در مذاکرات روز سه‌شنبه پنجم جمادی‌الثانی ۱۳۲۵، باز هم موضوع آزادی مطبوعات پی گرفته شد. نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که محمدعلی شاه به کمک گروهی از هواداران خود اعلامیه‌هایی را چاپ و به دیوارهای تهران چسباند. در این اعلامیه‌ها بهاییان از وکلای مجلس تشکر کرده بودند که با حمایت از آزادی عقیده، آنان نیز می‌توانند آزادانه عقاید خود را ابراز کنند. این اعلامیه‌ها باعث بروز شبهاتی نسبت به مشروطه‌خواهان و مجلس شورای ملی شد. البته افرادی که اقدام به چسباندن اعلامیه‌ها کرده بودند، به‌سرعت دستگیر شدند و در بازجویی از ارتباط خود با هواداران استبداد پرده برداشتند (مذاکرات مجلس اول، صص ۳۰۳-۳۰۵).

این مذاکرات در جلسات دیگر نیز ادامه یافت (جلسه روز شنبه سیزدهم ذیحجه سال ۱۳۲۵، روز یکشنبه ۲۸ ذیحجه ۱۳۲۵، مذاکرات مجلس اول، صص ۵۶۱-۵۵۹ و ۵۷۵-۵۷۴) سرانجام، نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی، با تدوین قانون اساسی و متمم آن، به مسئله مطبوعات جنبه قانونی دادند و برای حقوقی کردن افراد دخیل در امور روزنامه‌نگاری، قانون مطبوعات را در ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ خورشیدی، در ۵۳ اصل به تصویب رساندند.

نتیجه

نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی با مصوبات خود نخستین بنیادهای دولت مدرن را در ایران استوار ساختند و ادبیات سیاسی جدیدی را به وجود آوردند. از آن پس، «ایرانی» ملیت ساکنان محدوده جغرافیایی کشور ایران شد. تاریخ و تمدن مشترک، زبان فارسی، دین مشترک، نظام حقوقی واحد و سیستم یکسان مالی و سیاسی، وجه مشخصه ایرانیان گردید. بنابراین شرایط ایجاد حکومت ملت پایه از دستاوردهای مجلس اول شورای ملی است. با توجه به مذاکرات نمایندگان، محدود کردن آنها به دو دسته روشنفکران و علما یا تقسیم آنان به سه گروه روشنفکران، تجار و روحانیون، نادیده گرفتن مواضع گروه‌های دیگر در میان نمایندگان است. این گونه تقسیم‌بندی‌ها درک موضع‌گیری‌های نمایندگان و تحولات بعدی مجلس را دشوار می‌سازد. درست است که نمایندگان مجلس اول شورای ملی درک یکپارچه‌ای از مشروطیت نداشتند، اما این به معنای شکاف عبورناپذیر میان آنان نیست.

مذاکرات مجلس نشان‌دهنده حضور نیروهایی است که در جنبش مشروطه‌خواهی و پیروزی آن مؤثر بودند. گرایش‌هایی که قبلاً در مساجد، حرم‌های مقدس، کوچه و بازار، سفارتخانه‌های خارجی و مدارس وجود داشت، به صحن مجلس و مذاکرات آن انتقال یافت. همه این گرایش‌ها، در نفی حکومت خودکامه و حق مجلس در دخالت در تمامی امور و اداره کشور مشترک بودند. دلیل این وحدت‌نظر را می‌توان بدگمانی به حکومت و قوه مجریه دانست.

اگرچه می‌توان کاستی‌های نظری نمایندگان را در سراسر مذاکرات مجلس نشان داد، مشکل بیشتر در ساختارهای حکومت استبدادی متبلور بود. درک ضرورت تغییر و درپی آن جنبش مشروطه‌خواهی، پدیده‌ای خلق‌الساعه نبود. پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی، به ثمر نشستن آمال دیرپای مردم بود. به عبارت دیگر، مشروطیت ریشه در گذشته تاریخی داشت. اهداف مشروطه‌خواهان و اصلاحات موردنظر آنان در میان مردم دارای زمینه و سابقه بود، بنابراین در مرحله پیروزی مخالفی جدی وجود نداشت که با آن به مقابله برخیزد. به این ترتیب،

علت حضور نیافتن پدیده خشونت در جریان پیروزی جنبش نیز قابل فهم خواهد بود. بروز خشونت و مشکلات ناشی از آن مربوط به مراحل بعد از پیروزی است.

بدون تردید، نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی شوق فراوان به ایجاد دگرگونی داشتند. آنان زیر فشار شدید ناشی از شرایط پس از پیروزی و اوضاع و احوال دشوار محیط، فرایند شکل‌دهی به روابط سیاسی و اجتماعی و ایجاد ساختارهای جدید در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را شروع کردند. نمایندگان مردم گمان می‌کردند که فرصت زیادی ندارند و باید هرچه سریع‌تر به وضعیت مطلوب برسند. این گمان با شتاب‌زدگی موکلان آنها همراه بود. بنابراین، نمایندگان کمتر فرصت تحلیل شرایط، نقادی و ارائه طرح روشنی از آرمان‌های خود را یافتند. آنان مجبور بودند بیشتر وقت خود را صرف پاسخگویی به انتقادات موکلان خود و چاره‌جویی برای کارشکنی‌های هواداران استبداد کنند. در چنان شرایطی، واضح نبودن برنامه‌های اصلاح‌طلبانه، آرامش ذهن نخبگان را درهم می‌ریخت و به هرج‌ومرج در صحنه عمل اجتماعی منجر می‌شد.

از دیدگاه نمایندگان مجلس اول شورای ملی، نهادهای روش‌های سنتی اداره جامعه از اعتبار افتاده بودند و آنان همواره از نبود جایگزینی نهادهای جدید شکایت می‌کردند. این نمایندگان چنین شرایطی را نشانه‌ای یأس‌آور از بی‌کفایتی و توانایی نداشتن نهادهای موجود در تطابق و پاسخگویی به نیازهای جدید می‌دانستند. ادامه چنان فرایندی به اعتقاد آنها باعث کاسته شدن از اعتبار مجلس می‌شد. از سوی دیگر، بخشی از نمایندگان از درون حاکمیت به مجلس راه یافته بودند (میرزا جواد سعدالدوله، مرتضی قلی صنیع‌الدوله، میرزا حسن وثوق‌الدوله و ...). این گروه ارتباط با شاه و دربار را همچنان حفظ کرده بودند. حضور این نمایندگان نشان‌دهنده شکاف عمیق در دستگاه حاکمه بود. این گروه از نمایندگان بیشتر خواهان نوسازی نهادهای سیاسی بودند تا به این ترتیب بر دوام نظام سیاسی قاجاری بیفزایند. با توجه به آنچه گفته شد، دوباره به موضوع اصلی بازگردیم. تأمل و تفکر در مذاکرات نخستین مجلس شورای ملی و قرارداد آن مذاکرات در متن حوادث و شرایط آن روزگار، پرده از روی بسیاری از پندارها برمی‌گیرد. ترتیب مذاکرات و روند تاریخی مصوبات مجلس، اتفاقی نیست. مجلس در حرکت به سمت اهداف خود، مجبور به مجادله با حکومت و مخالفان خود بود. تدوین قانون اساسی، مسئولیت وزرا در برابر مجلس، حق مجلس در استیضاح و برکناری وزیران، ضرورت کسب اعتماد مجلس در انتخاب وزرا (رأی اعتماد) و تنظیم رابطه مجلس با دستگاه قضایی، داده‌های معرفتی و کنش‌های نمایندگان را روشن می‌سازد.

این شیوه نگرش و ادبیات مربوط به آن، پایدارترین تاثیر پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی بوده است. به عبارت دیگر، با عملی شدن و تداوم برخی از آرمان‌های مشروطه‌طلبان، الگوهای کهن سیاسی از اعتبار افتاد و آموزه‌های جدید جانشین آنها گردید.

منابع و مأخذ:

۱. آدمیت، فریدون (۱۳۴۰). *فکرآزادی و مقدمه نهضت مشروطیت*، تهران، سخن.
۲. آشوری، داریوش (۱۳۷۳)، *دانشنامه سیاسی تهران*، مروارید.
۳. استین، رنی (۱۳۷۴)، *حکومت (آشنایی با علم سیاست)* ترجمه لیلان‌سازگار، تهران مرکز نشر دانشگاهی.
۴. بشیریه حسین (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی سیاسی* (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی اجتماعی) چاپ دوم، تهران، نشرنی.
۵. پولادی، کمال (۱۳۸۰)، *از دولت اقتدار تا دولت عقل*، تهران، نشر مرکز.
۶. پوچی، جان فرانکو (۱۳۷۷)، *تکوین دولت مدرن*، ترجمه بهزاد باشی، تهران، نشر آگه.
۷. حائری، عبدالهادی (۱۳۶۰)، *تشیع و مشروطیت در ایران*، تهران، امیرکبیر.
۸. دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، *حیات یحیی*، چهاجلد، تهران، عطار و فردوس.
۹. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۱)، *تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشرنی.
۱۰. کسروی تبریزی، احمد (۱۳۷۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، چاپ هفدهم، تهران، امیرکبیر.
۱۱. *مذاکرات مجلس، دوره اول تقنینیه ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ تا ۲۲ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶* ق «ضمیمه روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، چاپخانه مجلس
۱۲. میرزاصالح، غلامحسین (۱۳۸۴)، *مذاکرات مجلس اول*، تهران، انتشارات مازیار.
۱۳. میل، جان استوارت (۱۳۶۹)، *تأملاتی در حکومت انتخابی*، ترجمه علی رامین، تهران: نشرنی.
۱۴. ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۶۲)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات آگاه.
۱۵. وینسنت، اندرو (۱۳۷۶)، *نظریه‌های دولت* ترجمه حسین بشیریه، چاپ دوم، تهران، نشرنی.
۱۶. هدایت (مخبرالسلطنه) مهدی قلی خان (۱۳۶۳)، *طلوع مشروطیت*، به کوشش امیر اسماعیلی، تهران، انتشارات جام.